





دانشگاه امام صادق

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

گرایش اندیشه‌های سیاسی

اندیشه آزادی در آراء متفکران مشروطه

استاد راهنما:

دکتر ناصر جمالزاده

استاد مشاور:

دکتر فرشاد شریعت

دانشجو:

سیدمحمدحسن نعمتی

خرداد ۱۳۹۱

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه کارشناسی ارشد برای دانشگاه امام صادق (علیه السلام) محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

# باتأییدات خداوند متعال و در ظل توجہات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه

## تأییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای سید محمد حسن نعمتی

### تحت عنوان: «اندیشه آزادی در آراء متفکران مشروطه»

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیوسته پیشنهاد می کنند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	محل امضاء
۱) استاد راهنما آقای دکتر جمالزاده		دانشیار	
۲) استاد مشاور: آقای دکتر شریعت		دانشیار	
۳) نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه: آقای دکتر مجیدی		استادیار	
۴) استاد ناظر: آقای دکتر درخشه		دانشیار	

تقدیم به:

امام آزادی و آزادگی امام حسین (ع) و یاران با وفایش که ندای آزادگیشان در سرتاسر تاریخ طنین انداز است.

و تقدیم به امام خمینی (ره) و شهدای ۸ سال دفاع مقدس که معنای آزادی را در عصر جدید رقم زدند.

تصدیر:

اول از پدرم، که زحمت آموختگی فرزندش را بردوش کشید،

و مادرم، که شکیبایی و مهربانی بر وجودم به جا گذاشت،

و از همسرم که فصل جدیدی در زندگی‌م گشود و در تدوین این پایان نامه همراه و به‌کارم بود.

و سپاس:

از آموزگاران و اساتیدم؛ از باب:

«مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَىٰ فِي مَلَكَوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا  
فَقِيلَ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ».

## چکیده

مفهوم «آزادی» از مفاهیم بنیادین در اندیشه سیاسی است. این مفهوم برخلاف سابقه چند سده‌های حضور آن در مباحث فلسفی و سیاسی غرب، در آراء متفکران اسلامی و به تبع آن ایرانی سابقه‌ای طولانی ندارد. اگرچه ظهور مصادیقی از این مفهوم در آراء متفکران پیش از مشروطه قابل پیگیری است اما مفهوم آزادی برای اولین بار در ادبیات مشروطه به طور گسترده ظاهر شد و پس از آن به طور چشمگیر در ادبیات سیاسی ایران مرسوم شد. با این حال، به نظر میرسد اندیشه آزادی در گفتمان‌های مختلف مشروطه به گونه‌ای خاص ظهور کرد و هر یک از گفتمان‌های اسلامی، ملی‌گرا و غربگرا با توجه به ماهیت آنها، برداشتی خاص از این مفهوم داشته‌اند. در واقع، بخش قابل توجهی از نزاع‌های مشروطه ناظر بر تفاوت در ماهیت چنین برداشتی از مفهوم آزادی بوده است.

آزادی در گفتمان اسلامگرا در اندیشه متفکران مشروطه خواه به معنای نفی بندگی خدا (هرزگی - بی‌بند و باری) و در نزد متفکران مشروطه خواه به معنای نفی بندگی غیر خدا و رهایی از سلطه دیگران معنا شده است. صاحب نظران گفتمان ملی‌گرا با تلفیق مباحث دین اسلام و اندیشه غرب، آزادی را رهایی از استبداد با تأکید بر قانون معنا می‌کردند و متفکران برخاسته از گفتمان غربگرا که کاملاً به متون غربی توجه داشتند، معنای مفهوم آزادی را لیبرالیستی و غربی تفسیر می‌کردند.

واژگان کلیدی: آزادی، مشروطه، اسلام، غرب، قانون.

## فهرست مطالب

فصل اول. کلیات	۱
مقدمه و طرح مسئله	۲
۱-۱. اهمیت و اهداف پژوهش	۳
۲-۱. روش تحقیق	۴
۳-۱. پیشینه ادبیات پژوهش	۴
۴-۱. سؤال و فرضیه پژوهش	۵
۵-۱. سازماندهی پژوهش	۵
فصل دوم. بازشناسی مفهوم آزادی و پیشینه آن در اندیشه غرب و اسلام	۷
۱-۲. معنای آزادی	۸
۲-۲. سیر تطور مفهوم آزادی در آراء اندیشمندان غرب	۱۱
۳-۲. سیر تطور مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی اسلام	۲۶
جمع‌بندی	۴۱
فصل سوم. گفتمان اسلام‌گرا	۴۳
۱-۳. آزادی در گفتمان اسلام‌گرا	۴۴
۲-۳. گفتمان اسلام‌گرا مشروطه خواه	۴۹
۱-۲-۳. محمد حسین نائینی	۵۱
۲-۲-۳. ملاعبدالرسول کاشانی	۵۵
۳-۲-۳. شیخ محمداسماعیل محلاتی غروی	۶۰
۴-۲-۳. حاج سید نصرالله تقوی	۶۴
۵-۲-۳. تفه الإسلام تبریزی	۶۶
۳-۳. گفتمان اسلام‌گرا مشروطه خواه	۶۸
۱-۳-۳. شیخ فضل‌الله نوری	۷۲
۲-۳-۳. میرزا علی اصفهانی	۷۶



۳-۳-۳. ملاعلی مجتهد رستم‌آبادی.....	۷۹
جمع‌بندی.....	۸۰
<b>فصل چهارم. گفتمان ملی‌گرا.....</b>	<b>۸۳</b>
مقدمه.....	۸۴
۱-۴. میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی (مرگ ۱۳۱۳/۱۸۹۵).....	۸۴
۲-۴. میرزا عبدالرحیم طالبوف (۱۳۲۹-۱۲۵۰ق).....	۹۲
جمع‌بندی.....	۱۰۳
<b>فصل پنجم. گفتمان غرب‌گرا.....</b>	<b>۱۰۵</b>
مقدمه.....	۱۰۶
۱-۵. میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله.....	۱۰۷
۲-۵. میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۲۸-۱۸۱۲).....	۱۱۷
۳-۵. میرزا آقاخان کرمانی.....	۱۲۳
جمع‌بندی.....	۱۲۷
<b>نتیجه‌گیری.....</b>	<b>۱۲۹</b>
<b>منابع و مآخذ.....</b>	<b>۱۳۹</b>

# فصل اول

## کلیات

## مقدمه و طرح مسئله

مفهوم «آزادی» از مفاهیم بنیادین در اندیشه سیاسی، فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی و نیز علت اصلی وقوع حوادث بسیاری در تاریخ سیاسی جهان در اعصار مختلف است. بخش چشمگیری از مبانی، مفاهیم و مسائل مورد بحث در این حوزه‌ها همچون دموکراسی، جامعه مدنی، توسعه سیاسی، خاستگاه، ماهیت اهداف حکومت ارتباط تنگاتنگی با مفهوم آزادی دارد از این رو تبیین رهیافت هر اندیشمند و یا مکتب سیاسی به آزادی مبین نگرش او به قسمت وسیعی از موضوعات طرح شده در حوزه‌های گوناگون سیاسی است.

مفهوم «آزادی» برخلاف سابقه چند سده‌ای حضور آن در مباحث فلسفی و سیاسی اندیشمندان غربی، در آراء متفکران اسلامی و به تبع آن ایرانی سابقه‌ای طولانی ندارد. با بررسی تاریخ اندیشه سیاسی در جهان اسلام می‌توان دریافت که اغلب مفهوم آزادی در حوزه فلسفی آن قابل توجه است و مسئله اصلی در نظر متفکران و فیلسوفان اسلامی نحوه اطاعت از حاکم بود.

اندیشمندان و فلاسفه اسلامی درباره آزادی از نظر سیاسی کمتر سخن گفته‌اند و اگر در آثارشان بحثی آمده است اغلب معنای فلسفی این کلمه یعنی اختیار در برابر جبر بوده است فقهاء اسلامی نیز اگر در کتب فقهی خود از آزادی سخنی به میان آوردند به مفهوم جدید آن یعنی حقوق سیاسی و به تعبیر دیگر آزادی بیرونی و اجتماعی نیست و فقط در مبحث «عبد» و «برده» اشارتی به واژه حر و احکام آزادی بنده کردند.

اگرچه ظهور مصادیقی از مفهوم «آزادی» در حوزه سیاسی در آراء اندیشمندان پیش از مشروطه قابل پی‌گیری است اما مفهوم آزادی برای اولین بار در ادبیات مشروطه به طور گسترده ظاهر شد و پس از آن به طور چشمگیر در ادبیات سیاسی ایران مرسوم شد. حجم سنگین و محتوای پیچیده و کم و کیف مباحث و آراء عرضه شده حول و حوش آزادی در مدت زمان بسیار کوتاه انقلاب مشروطه این واقعیت را ثابت کرد که برخلاف ساحت نظری در ساحت عملی مقوله آزادی آنطور که تصور می‌رفت واضح و سهل نیست بلکه مسئله پیچیده و تفسیر بردار و ابهام آمیز است اختلافات بر سر آزادی در زمان مشروطه چنان شدید بود که دستاوردهای مشروطه دیری نپایید و سراب آزادی به استبداد رضا شاهی ختم شد. مشروطیت در عرصه اندیشه و مفهوم آزادی این مسئله را اثبات کرد که مباحث تئوریک و انتزاعی هرچند در ظاهر بسیار واضح و متفق‌القول به نظر می‌رسند اما در مقام عمل و تحقق به موضوعاتی مبهم، تنوع بردار و پر چالش تبدیل می‌گردند این مسئله در مورد مفهوم «آزادی» وقتی مهم‌تر جلوه می‌کند که با بررسی آراء متفکران مشروطه متوجه خواهیم شد اختلاف در عرصه نظر نیز در مورد آزادی بسیار به چشم می‌خورد و این اختلاف پر حاشیه و پر سر و صدا نیز بود و علی‌رغم پر سر و صدا بودن دعوا بر سر «آزادی» عمق اندیشه‌ای آن بسیار کم و سطحی به نظر می‌رسد.

اختلاف بر سر مفهوم «آزادی» و دیگر مفاهیم سیاسی امری طبیعی است و نمی‌توان انتظار داشت در خصوص یک موضوع و مفهوم همه یا حتی اصحاب یک مکتب و نحله واحد یکسان ببینند و نگرش واحدی داشته باشند. به همین خاطر است که به زعم تعاطی افکار و مباحثات طولانی و مفصل در غرب خصوصاً میان تئوریسین‌های لیبرالیسم اجماع نظری پیرامون موضوعات متعدد سیاسی من جمله آزادی حاصل نشده است نزاع تئوریک لرد آکنن و ژان ژاک روسو از نظریه پردازان لیبرالیسم بر سر مفهوم آزادی این ادعا را ثابت می‌کند.<sup>۱</sup>

اما نکته حائز اهمیت در مشروطیت، اختلاف درون گفتمانی در عرصه نظری است هرچند همانطور که اشاره شد این اختلاف نظر در مبحث آزادی بسیار سطحی و فاقد عمق محتوایی است اما در عرصه عمل دارای حاشیه‌های بسیار و پر سرو صدایی بود که جامعه ایران را دچار چالش کرد. اختلاف درون گفتمانی مابین دو گروه از علمای مشروعه خواه و مشروطه خواه نتیجه‌ای جزء شکست دستاوردهای مشروطه نداشت و عرصه عمل را دچار بحران کرد.

با این اجمال، برای بررسی کم و کیف تحول مفهوم آزادی در ادبیات حاضر، چاره‌ای جزء کندوکاو در برداشت و تفاسیر مختلف از این مفهوم در برخورد آغازین اندیشمندان مشروطه با این مفهوم وجود ندارد. با این وجود، به نظر می‌رسد اندیشه آزادی در گفتمان‌های مختلف مشروطه به گونه‌ای خاص ظهور کرده است و هریک از گفتمان‌های اسلامی، ملی‌گرا و غرب‌گرا با توجه به ماهیت آنها، برداشتی خاص از این مفهوم داشته‌اند. به گونه‌ای که، بخش قابل توجهی از نزاع‌های مشروطه ناظر بر تفاوت در ماهیت چنین برداشتی از مفهوم آزادی بوده است.

## ۱-۱. اهمیت و اهداف پژوهش

نظر به اینکه مفهوم آزادی در ادبیات سیاسی حاضر، حضور فعال دارد لذا ارایه تفسیری منطقی، معقول و مبتنی بر زیرساخت‌های ایرانی و اسلامی منوط به کندوکاو در مبانی اندیشه ورزی متفکران است و این امر نقش بسزایی در عرصه عمل و حوزه نظر در مناسبات سیاسی دارد.

هدف کلان این پژوهش تأمل بیشتر و تبیین مفهوم آزادی در اندیشه‌سیاسی ایران معاصر است در این چارچوب هدف خرد، مطالعه و کاوش وسیع و عمیق در افکار و عقاید متفکران و اندیشمندان مشروطه به عنوان اولین سردمداران تجددخواهی است تا بدین طریق مکانیزم‌ها و معیارهای بنیادین برای تطبیق و فهم هرچه بیشتر مفهوم آزادی در زمان کنونی به دست آید.

۱. ر.ک: موریس کرنستون، تحلیلی نوین از آزادی، ترجمه جلال‌الدین اعلم، تهران، امیر کبیر، چ ۳، ۱۳۷۰، صص ۲۲-۱۳.

## ۱-۲. روش تحقیق

روش مورد استفاده در تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است و بر اساس موضوع تحقیق در حد مقدور به متون اصلی اندیشمندان سیاسی مشروطه مراجعه شد و نظرات آنان در آثارشان مورد بهره‌برداری و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش جمع‌آوری اطلاعات تحقیق مورد نظر به روش کتابخانه‌ای و به صورت فیش‌برداری از مطالب و تجزیه و تحلیل آن و نهایتاً ارائه آن به صورت یک چارچوب کلی خواهد بود.

در این پژوهش نیز سعی شده است آثاری مورد استفاده قرار گیرد که به قلم خود اندیشمندان نگاشته شده است اما در این راه مشکلاتی وجود داشت:

(الف) برخی از آثار نویسندگان بنا بر دلایل متعددی تجدید چاپ نشده است و چاپ‌های سنگی آن نیز غیر قابل استفاده بودند.

(ب) به علت شرایط نامساعد اجتماعی مشروطیت نویسنده برخی آثار نامعلوم و به همین علت بعضی از آثار منتسب به چندین اندیشمند می‌باشد.

(ج) از همه مهمتر پراکنده گویی اندیشمندان مشروطه و تناقض آمیز بودن آراء و افکار برخی اندیشمندان مانع از آن می‌شد تا بتوان به نظر قطعی و منسجم در آراء یک اندیشمند رسید.

در هر صورت در گفتمان اسلام‌گرا منبع اصلی، کتاب ارزشمند «رسائل مشروطیت» دکتر زرگری نژاد بود که به صورت جامع در ۲ جلد به جمع‌آوری رسائل علمای مشروطه خواه و مشروعه خواه پرداختند. و در مورد اندیشمندان دیگر سعی شد تمامی آثارشان مورد بررسی قرار گیرد هرچند برخی آثار کمیاب و یا غیر قابل استفاده بودند مانند آثار میرزا آقاخان کرمانی و آخوندزاده که برخی آثارشان به صورت محدود در دسترس بود.

## ۱-۳. پیشینه ادبیات پژوهش

بررسی مفهوم آزادی در آراء متفکران مشروطه به صورت پراکنده در آثار تحلیل‌گران تاریخی و سیاسی قابل مشاهده است به طور مثال آدمیت در بررسی اندیشه‌های آخوندزاده، ملکم، میرزا آقاخان کرمانی و... به صورت گذرا اشاره‌ای به مفهوم آزادی کرده است اما بیشتر آثار تحلیل‌گران در مفهوم آزادی حول محور مناقشه آمیز این مفهوم در مشروطیت می‌چرخد به عبارت دیگر اکثر تحلیل‌گران سعی کردند در آثار خود به مفهوم آزادی در نزد علمای مشروعه خواه و مشروطه خواه بپردازند و علل اختلاف بر سر این مفهوم را تبیین و تحلیل کنند در همین راستا مقالاتی مانند علما و اندیشه آزادی در عصر مشروطیت به قلم لطف‌الله آجودانی (فصلنامه بازتاب اندیشه، شماره ۱۷)، جدال بین علمای دوره مشروطه بر سر «آزادی بیان و قلم»

و بررسی فقهی مفهوم آزادی از منظر آیت‌الله نائینی و شیخ فضل‌الله نوری به قلم شریف لکزایی (پگاه حوزه، شماره ۱۸۷ و ۲۱۲)، حدود و جایگاه آزادی در اندیشه سیاسی میرزای نائینی به قلم جواد سلیمانی (مجله آموزه شماره ۳) و همچنین مقالاتی که به صورت اجمال به مفهوم آزادی در مشروطیت می‌پردازند مانند مفهوم‌شناسی آزادی در عصر مشروطیت به قلم ماشاءالله حشمتی (معرفت شماره ۸۶) و کتاب «مشروطه ایرانی» به قلم ماشاء... آجودانی اما آنچه که بیش از همه در این موضوع جلب نظر می‌کند نبود کتاب یا پایان‌نامه‌ای مستقل که در آن سعی شود مفهوم آزادی را از نقطه عطف تاریخ معاصر ایران یعنی مشروطیت مورد بررسی و کنکاش قرار دهد.

#### ۴-۱. سؤال و فرضیه پژوهش

سؤال اصلی پژوهش حاضر اینست که متفکران عصر مشروطه، اعم از علما و روشنفکران، چه معنایی از مفهوم آزادی را اراده می‌کردند؟ در کنار سؤال اصلی سعی می‌شود تا به سؤالات فرعی از جمله؛ تأثیر متفکران گذشته در آراء متفکران مشروطه در بحث آزادی چه بوده است؟ وجوه شباهت و افتراق آراء اندیشه‌گران مشروطه در بحث آزادی کدامند؟ مفهوم آزادی نزد اندیشمندان سیاسی ایران چه تفاوتی با آراء اندیشمندان غربی دارد؟ پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی است و سعی در اثبات فرضیه‌ای ندارد و تلاش می‌شود به تبیین مفهوم آزادی در آثار متفکران مشروطه پرداخته و بر اساس آثارشان به تحلیل بپردازد.

#### ۵-۱. سازماندهی پژوهش

برای بررسی موضوع مورد تحقیق؛ پژوهش حاضر از ۴ بخش تشکیل یافته است. در بخش اول (فصل دوم) کلیاتی درباره تعریف آزادی و ماهیت آزادی و مفهوم آن، سیر تطور آزادی و نظرات اندیشمندان غربی و اسلامی پیش از مشروطه مورد بررسی قرار گرفته است، این بخش از این جهت حائز اهمیت است که در بررسی آراء اندیشمندان مشروطه متأثر بودن اندیشمندان ایرانی از غرب متفق القول تحلیل‌گران سیاسی و تاریخی است، اما میزان تأثیر، آثار و پیامدهای آن مورد اختلاف تحلیل‌گران می‌باشد، اجماع تحلیل‌گران بر این است که اندیشمندان ایرانی به طور مستقیم و غیر مستقیم با غرب و اندیشه سیاسی غرب هر چند سطحی آشنا بودند و حتی برخی از تحلیل‌گرانی که معتقدند اندیشمندان گفتمان اسلامگرا فارغ از هرگونه تأثیرپذیری به نظریه پردازی پرداخته‌اند این مسئله را انکار نمی‌کنند که این اندیشمندان تحت تأثیر شرایط اجتماعی مشروطه و مفاهیم سیاسی غربی بودند و بر اساس همین مفاهیم سیاسی مانند آزادی، قانون، مجلس و... به نظریه پردازی پرداختند. برای همین در بخش اول این تحقیق

به مفهوم آزادی در غرب و پیشینه آن در غرب پرداخته می‌شود تا به برداشت‌های مختلف از آزادی ریشه‌های هستی‌شناختی و روش‌شناختی آن تفاوت و تمایزهای آن مشخص گردد.

در بخش دوم (فصل سوم) گفتمان اسلام‌گرا که تنها گفتمانی است که می‌توان آن را از لحاظ مکانی و زمانی دارای اصالت دانست مورد بررسی قرار می‌گیرد این گفتمان که در فصول مختلف تاریخی دچار تغییر و تحول شده است در عصر مشروطیت نیز در نتیجه رشد گفتمان غربی در دوره قاجاریه و بویژه در اواخر این دوره، گفتمان علمای شیعه دستخوش تحولاتی شد. با تأثیرپذیری از گفتمان غربی، دو گفتمان جدید مشروطه‌خواهی و مشروعه‌خواهی در میان علما پدید آمد و اختلاف در تعریف مفهوم آزادی نیز نمایان شد.

بخش سوم (فصل چهارم) گفتمان ملی‌گرا با دو اندیشمند سیاسی مستشارالدوله و طالبوف مورد بررسی قرار می‌گیرد در حاق واقع تأثیرپذیری این دو اندیشمند از غرب همانند سایر هم‌کیشان خود می‌باشد اما تفاوت این دو اندیشمند پذیرش نظام حقوقی اسلام و تلاش برای بازتعریف مفاهیم سیاسی غرب و انطباق آن با مسائل دینی است هر دو این اندیشمندان به تنها نظام حقوقی آن زمان یعنی نظام فقهی احترام می‌گذارند و تلاش می‌کنند تا با گفتمان اسلام‌گرا در تعارض قرار نگیرند نکته دیگر در اندیشه این دو متفکر عدم پذیرش بی‌چون و چرای غرب است هر دو اندیشمند انتقاداتی به نظام غربی وارد می‌کنند و نظام سلطه و استعمار را به چالش می‌کشند و این در مقابل تفکر افرادی چون ملکم و میرزا آقاخان کرمانی است که تلاش می‌کنند برای استعمار و اشغال کشورها و جهی مثبت قائل شوند.

بخش چهارم (فصل پنجم) اختصاص به اندیشمندیانی دارد که پذیرش بی‌چون و چرای غرب را نسخه اصلی برای درمان ایران از عقب ماندگی می‌دانند ملکم (دوره اول)، میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی سردمداران گفتمان غربگرایی هستند که تشویق به غربی شدن می‌کنند و بدون هیچگونه نگاه به فرهنگ و خاستگاه اندیشه غربی آن را قابل پیاده شدن در ایران می‌دانند. افکار این اندیشمندان بر «این پایه بنا شده بود که اشاعه مدنیت غربی در سراسر جهان نه تنها امری محتوم تاریخ بلکه این تحول از شرایط تکامل هیئت اجتماع و موجد خوشبختی و سعادت آدمی است»<sup>۱</sup>.

بخش پنجم (فصل ششم) به نتیجه‌گیری و مطالعه تطبیقی مفهوم آزادی در میان گفتمان‌های مختلف مشروطه و مقایسه آراء اندیشمندان می‌پردازیم.

۱. آدمیت، فریدون، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران، سخن ۱۳۴۰، ص ۱۱۳.

## فصل دوم

# بازشناسی مفهوم آزادی و پیشینه آن در اندیشه غرب و اسلام



## ۲-۱. معنای آزادی

آزادی واژه‌ای است که معانی مختلف و بسیاری دارد و تعابیر متعددی می‌پذیرد و «شاید هیچ کلمه‌ای مانند آزادی تا این حد معنای مختلفی را در بر نگرفته و هیچ لفظی به قدر آزادی عواطف گوناگون را در قلب آدمی زنده نکرده است.<sup>۱</sup> آیزا برلین می‌گوید: «بیش از دو‌یست معنی گوناگون را نویسندگان تاریخ عقاید برای این کلمه ضبط کرده‌اند».<sup>۲</sup>

در زبان فارسی لغت آزادی دارای معانی متعددی از جمله فارغ از اسارت دیگران، نامحدود، خلاص یافته از قیود و وظایف. در لغتنامه دهخدا واژه «آزادی» را از واژه اوستایی «آزاتِه» و یا واژه پهلوی «آزاتیه» دانسته و به معنای؛ قدرت انتخاب، رهایی، ضد بندگی، استقلال در عمل، آمده است.<sup>۳</sup> تقریباً معانی مختلفی را که آزادی در زبان فارسی در برمی‌گیرد لغت نامه دهخدا بیان کرده است برای تبیین بیشتر می‌توان به فرهنگنامه معین نیز مراجعه کرد در این کتاب آزادی را اینگونه معنی می‌کند: «آزادی: یک. حریت، آزادگی، مقابل بندگی، رقیت، عبودیت، رهایی، خلاص، دو. آزادی آنکه بنده کسی نباشد و سه. رها، وارسته...»<sup>۴</sup>

در زبان انگلیسی آزادی نیز به معانی مختلف آمده است. لغتنامه The Concise Oxford Dictionary کلمه free (آزاد) را اینچنین تعریف می‌کند:

فارغ از اسارت دیگران: رها، نامحدود، نامحسوس، خلاص یافته از قیود یا وظایف، بی مانع، نامقید در عمل، مجاز به مستقل بودن.<sup>۵</sup>

دو واژه Liberty و Freedom در زبان انگلیسی به معنای آزادی به کار می‌رود، کلمه Liberty گرایش بر آن دارد که در متون حقوقی و سیاسی به کار رود که اشاره به حفظ و حراست از آزادی‌های فرد در مقابل دولت دارد در حالیکه Freedom بیشتر معنای عمومی از آزادی را در بر می‌گیرد. همچنین Liberty بیشتر به جنبه خارجی و وضع جسمی اشاره دارد در حالیکه Freedom بیشتر به جنبه ذهنی و روحی (مثل تسلط بر نفس - خود رأیی) که تماماً به خود بر می‌گردد، اشاره دارد و در واقع بیشتر درگیر مسائل فلسفی است. البته در استعمال انگلیسی این دو عملاً به جای یکدیگر به کار می‌روند.<sup>۶</sup>

۱. و.ت. جونز خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامینف تهران، انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۰۱

۲. آیزابلین، چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه؛ محمد علی موحد، تهران، خوارزمی چاپ اول ۱۳۶۸، ص ۲۳۶

۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۷۷

۴. معین، محمد، فرهنگنامه فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۶

۵. موریس کرنستون، تحلیلی نوین از آزادی، ترجمه جلال الدین اعلم، تهران، امیرکبیر ۱۳۷۰، ص ۴۴

6. Tim Gray, Freedom. Atlantic High lan: Oxford University press 1996, p83

در اصطلاح نیز معانی بسیاری برای آزادی بیان شده؛ مانند: فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان، سلب مانع ترقی و تکامل، داشتن حق انجام هر عملی تا حدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد. مصون ماندن از اراده مستبدانه دیگران و<sup>۱</sup>... برخی معتقدند اینگونه تعاریف بیشتر شرح لغتنامه‌ای از آزادی ارائه می‌دهند تا پرده برداشتن از معنای حقیقی از آزادی، ابراهام لینکلن در نطقی که در سال ۱۸۶۴ در بالیتور ایراد کرد گفت: «جهان هیچگاه تعریف خوبی از آزادی نداشته است» و هایدگر معتقد بود: «آزادی مفهومی نیست که شعور متعارف از آن دارد و بدان خرسند است» و ارسطو بر این باور بود «آنچه شعور متعارف را خرسند می‌نماید تعبیری سخیف و بی‌ارج از آزادی است».<sup>۲</sup>

در هر حال آزادی از جمله مفاهیمی است که تاکنون معنا و مفهوم بسیاری برای آن ذکر کرده‌اند و از دسترسی تعریفی واحد خارج مانده و هر حد و رسمی برای آن آورده‌اند از ایراد مصون نمانده، شاید گستردگی مفهوم آزادی یا بداهت آن باعث گشته تا با بررسی کتاب‌ها تعریف واحدی را نیابیم در زیر به چند مورد از تعاریف آزادی اشاره می‌کنیم.

- آزادی به معنای حق و اختیار و به طور کلی مستقل و مختار بودن شخص در گزینش اعمال و رفتار خود می‌باشد.<sup>۳</sup>
- آزادی، معنی و موقعیتی است که اجبار جامعه و افراد را بر شخص به حداقل ممکن کاهش می‌دهد.<sup>۴</sup>
- آزادی به مفهوم درست کلمه به معنی فقدان موانع خارجی است که اغلب ممکن است بخشی از قدرت انسان را در انجام آنچه می‌خواهد، سلب کنند.<sup>۵</sup>
- آزادی عبارت است از قدرت یا اختیار انجام دادن آنچه که کسی خواسته باشد فارغ از مداخله دیگران انجام دهد.<sup>۶</sup>

وجه اشتراک این تعاریف، نبود موانع بر سر راه انتخاب انسانهاست. آزادی یعنی رهایی از جبر دیگران و انتخاب عمل با اراده خود و به عبارت دیگر فرد بتواند عزم، اراده، ذوق و علاقه خود را بدون منع و ردع دیگران ارضا نموده و تحقق بخشد.

---

۱. آیزابریلین، چهار مقاله درباره آزادی، ص ۲۳۶

۲. خدروی غلامحسین و رضوان طلب محمد رضا، رویکرد فلسفی و کلامی به مقوله آزادی، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم، سال دهم شماره ۲، ص ۲۲۳

۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۲، ص ۵

۴. بوشهری، جعفر، حقوق اساسی، تهران، گنج دانش، چ. اول، ۱۳۷۶، ص ۳۱۷

۵. آریلاستر، آنتونی، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، چ. اول، ۱۳۶۷، ص ۱۸۲

۶. کوئینتن، آنتونی، فلسفه سیاسی، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، الهدی، چ. اول، ۱۳۷۱، ص ۲۶۴

تفسیر درست آزادی، به انسان‌شناسی بستگی دارد و آن نیز به جهان‌شناسی وابسته است و با تفاوت این دو، تفسیر آزادی نیز متعدّد و متفاوت می‌شود. مفهوم آزادی به طور مطلق، بدیهی و آشکاراست؛ اما دستیابی به معانی دقیق انواع آن، باتوجه به قید، متعلّق و مبنای معرفت‌شناسی انسانی، امکان‌پذیر خواهد بود و در غیر این صورت، ارائه معنایی دقیق و فراگیر امری ناشدنی است. برای آزادی وجوه مختلفی بر شمرده‌اند و آن را تحدید کرده و در حوزه خاصی تعریف کردند: برخورداری انسان از حقوق طبیعی و فطری خود، بدون مداخله دیگران (آزادی اجتماعی)؛ و حق مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی و تشکیل احزاب و اجتماعات (آزادی سیاسی)؛ و حق انتخاب شغل؛ حق مالکیت شخصی، آزادی کسب و کار (آزادی اقتصادی)؛ و آزادی در پذیرش عقیده، آزادی قلم و مطبوعات (آزادیهای فکری).

در میان انواع آزادی که برخی از آنها را در بالا برشمردیم، آزادی سیاسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ برخی معتقدند آزادی سیاسی به ۲ دلیل اساسی خاستگاه انواع آزادی‌های دیگر تلقی می‌گردد. اولاً، آزادی سیاسی شامل بخش اعظمی از سایر اقسام آزادیهاست مانند آزادی مطبوعات، آزادی بیان، آزادی اجتماعی، آزادی اقتصادی و... ثانیاً، آزادی سیاسی در قیاس با سایر اقسام آزادیها از اهمیت بیشتری برخوردار است و نقش کلیدی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها ایفا می‌کند.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر نقش حاکم و حکومت که دارای قدرتی فراتر از دیگران در جامعه است و یکی از موانع بزرگ آزادی به حساب می‌آید نقش آزادی سیاسی را پر اهمیت کرده است همین مسئله باعث گشته اندیشمندان و متفکرین پس از تعریف مفهوم کلی آزادی زمانی که درصدد تشریح جزئیات آن بر می‌آیند عمدتاً وارد حوزه سیاسی شوند و در پرتو آن به تجزیه و تحلیل آزادی پردازند.

رابطه تنگاتنگ آزادی با قدرت، نظریه پردازان و فیلسوفان سیاسی را بر آن داشته تا در این مسئله بیشتر سخن بگویند زیرا آزادی سیاسی متکفل تبیین و تنظیم روابط، حقوق و تکالیف دو گروه نابرابر است. در یک طرف اکثریت فرمانبران و شهروندان ضعیف و بی دفاع و فاقد هرگونه ابزار و امتیازی قرار دارند. طرف دیگر را گروه اقلیت فرمانروایان و حکام نیرومندی تشکیل می‌دهند که از وسایل و مزایا و توانمندیهای اقتصادی و نظامی و ساختارها و نهادهای متعدد برخوردارند. بخش عمده مباحث مربوط به آزادی به رابطه فرد و حکومت و به عبارت دیگر انسان و قانون مربوط می‌شود. در حقیقت محور بحث آزادی سیاسی آن است که فرد تا چه حد در فکر و انتقال بیان آن و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌تواند از تعرض حکومت و قانون مصون باشد. به تعبیر بهتر اقتدارات قانون و حکومت تا چه حد از قلمروهای اعمال ایشان را باید تحت کنترل خود درآورد. فی الواقع آزادی

۱. علی محسنی، پیشین، ص ۲۴

سیاسی دفاعیه نامه یا سپر دفاعی حکومت شوندگان در برابر خطر احتمالی تعدی حکومت کنندگان است. تعاریف ارائه شده از سوی نظریه پردازان سیاسی مبین دغدغه خاطر آنان از تضييع حقوق مردم در تعيين سرنوشت سياسی خود و اداره کشور توسط حاکمان و سلطه مستبدانه حاکمان بر فرمانبران است. لذا شاکله تعاریف آنان را اتخاذ تدابیر و و عرضه ابزارها و مکانیزمهایی جهت تأمین و حفظ حقوق مردم از تعرض حکام تشکیل می‌دهد به طور مثال:

آزادی سیاسی؛ آزادی انجام کارهای مختلفی است که حکومت مردمی اقتضا میکند، این کارها اصولاً شامل استفاده از ابزارهایی است که از طریق شهروندان بتواند صدای خود را به گوش دیگران برسانند و در حکومت تأثیر عملی داشته باشند.<sup>۱</sup>

آزادی سیاسی قسمتی از حقوق افراد است که به موجب آن می‌تواند حق حاکمیت داشته باشند، خواه به طور مستقیم و خواه از طریق نمایندگان...<sup>۲</sup>

آزادی سیاسی، آزادی‌هایی است که وسیله مقاومت مردم در برابر تجاوزهای دولت است، با تضمین این آزادی‌ها دولت نمی‌تواند به حقوق افراد تجاوز کند... مهمترین اقسام این آزادی‌ها عبارتند؛ آزادی مطبوعات و بیان، آزادی تشکیل حزب، آزادی تظاهرات و...<sup>۳</sup>

## ۲-۲. سیر تطور مفهوم آزادی در آراء اندیشمندان غرب

در یونان باستان - پیش از سقراط - اندیشه آزادی با «سرنوشت»، «ضرورت» و «تصادف یا صدفه» در ارتباط بود. در دوران «هومیروس» (سده ۱۱ و ۱۰ پیش از میلاد) واژه آزاد بر انسانی اطلاق می‌گردید که: در میان قوم و سرزمین خود بدون سیطره دیگر (اقوام) زندگی می‌کرد. در این معنا آزاد در مقابل اسیر جنگی‌ای قرار دارد که تحت سیطره اربابی است.

اما آزادی در اندیشه سیاسی غرب با واژه «شهر» پیوند خورده است. واژه آزادی یونانی محصور به محدوده شهروند است یعنی در خود این مفهوم نوعی جماعت‌گرایی نهفته است و با آزادی مبتنی با فردگرایی تفاوت دارد. در یونان باستان آزادی به معنای حکومت قانون و مشارکت در تصمیم‌گیری بود و نه داشتن حقوق سلب نشدنی مقصود از آزادی نیز بهره‌وری تضمینی شهروندان از دخالت در امور شهر تحت لوای قانون است.<sup>۴</sup>

۱. کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۲

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۸، ص ۳۱

۳. رحیمی، مصطفی، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، تهران، ابن سینا ۱۳۶۷، ص ۱۹۰

۴. بهشتی معز، رضا، در آمدی بر مبانی دموکراسی، تهران، طرح نو ۱۳۷۴، ص ۱۷۵-۱۷۴